

متن دوبله انیمیشن خانم‌ها – شاخه دوبله بخش بزرگسال



امبر: واقعا فکر نکنم علاقه قلبیم اداره مغازه باشه می‌فهمی؟ عصبانیت می‌خواسته اینو بهم بفهمونه. گیر افتادم.

میدونی پیش عجیبه؟ حتی وقتیکه بچه بودم به شعله آبی دعا می‌کردم که یه روز انقدری خوب باشم که جای پدرمو بگیرم. چون اینجا رویای اونه اما من یه بارم نپرسیدم خودم چی دوست دارم. فکرکنم چون ته دلم می‌دونستم اهمیتی نداره چون تنها راه از خود گذشتگی به این بزرگی گذشتن از زندگی خودته.

مامان: امبر همونجا ایستا.

امبر: وای مامانمه. مامان چیزی نیست اون فقط یه دوسته.

مامان: ساکت باش ساکت از اونجا می‌تونستم بوشو حس کنم همه جا رو بو برداشته.

امبر: راجب چی حرف می‌زنی؟

مامان: خودت خوب می‌دونی از چی حرف می‌زنم آتیش پاره.

امبر: تو بوی عشقو رو من حس می کنی؟

مامان: اگه پدرت بفهمه چی؟ آب و آتیش نمی تونن با همدیگه باشن بهتون ثابت می کنم با من بیا. اینو میریزم روی قلبتون تا عشقو بکشم بیرون بعد باید با شعله تون اینو روشن کنین تا من دودشو تعبیر کنم. میبینی امبر این نشدنیه.